

## حوادث۱۹جاذبه

#### تلنگر

### اتهام قتل عمد، به‌خاطر کشتن سارق تلفن همراه

مرد بنگاهدار که در تعقیب سارقان گوشی تلفن همراهش مرگ یکی از آنها را رقم زده بود، به اتهام قتل عمد بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته یکی از ماموران پلیس پایتخت در تماس با رحیم دشتبان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران از تصادف مرگبار مرد موتورسواری در یکی از اتوبان‌های جنوبی شهر تهران خبرداد. همزمان با حضور بازپرس جنایی در محل و در بررسی‌های اولیه معلوم شد مرد موتورسوار زیر چرخ‌های خودروی پژو پارس رفته و فوت شده است. دو گوشی تلفن همراه، سه عدد جاقو و قمه کوچک کنار جسد افتاده بود. یکی از گوشی‌ها زنگ خورد و وقتی یکی از ماموران پاسخ داد آن سوی خط مادر مرد موتورسوار بود که به این صورت هویتش به دست آمد. ماموران در بررسی محل تصادف متوجه رد خط ترمز خودروی دیگری شدند که نشان می‌داد ابتدا يك خودرو با پسر ۲۱ ساله به عمد تصادف و بعد از محل فرار کرده است.

در ادامه با تحقیق از شاهدان پی بردند پرابدی با موتورسیکلت تصادف کرده و آنها شماره پلاکش را نداد اشت کرده‌اند. در بررسی شماره پلاک معلوم شد متعلق به پرابید نبوده بلکه برای يك خودروی پژو است. ماموران احتمال دادند خودروی سرقتی باشد که سپس معلوم شد شاهدان نوع خودرو را اشتباه اعلام کرده‌اند. تحقیقات برای یافتن راننده ادامه داشت تا این‌که مرد ۴۰ ساله بنگاهدار در پلیس آگاهی تهران حاضر شد و خود را عامل مرگ آن جوان معرفی کرد و گفت: آن شب در خودرویم نشسته بودم و اینترتی در حال انتقال پول به حسایم بودم. شیشه پایین بود که ناگهان مرد موتورسوار و دوستش گوشی را قاپیدند و فرار کردند. عکس، فیلم‌های خصوصی و خانوادگی مان، اطلاعات کاری و حساب‌های بانکی‌ام در آن گوشی بود. می‌ترسیدم از محتویات گوشی سوءاستفاده شود، به همین خاطر سارقان را برای پس گرفتن گوشی تعقیب کردم.

وی افزود: سارقان وارد اتوبانی در جنوب تهران شدند. در این تعقیب و گریز ضربه‌ای به موتورشان زدم که تعادل موتورسیکلت به هم خورد و به پژویی که جلویشان بود برخورد کرد. راکب به‌شدت صدمه دید و همدستش گریخت. من هم از صحنه فرار کردم و بعد از چند روز به خاطر عذاب وجدان تسلیم شدم.

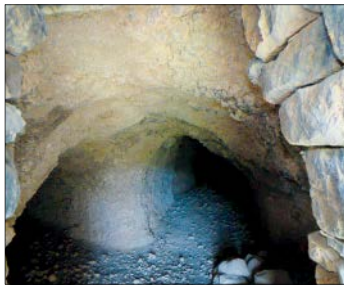
مرد بنگاهدار به اتهام مباشرت در قتل عمدی دراختیار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. این در حالی است که قرار شد هیات کارشناسی نیز دوباره محل حادثه را بررسی کنند.

#### درگیری مرگبار ۲برادر درروستا

درگیری خانوادگی دو برادر در روستای نگل از توابع سمنج منجر به قتل یکی از آن دوشد.

سرهنگ عبدال.. فاتحی، معاون اجتماعی نیروی انتظامی استان کردستان به ایسنا گفت؛ گزارش قتل یک نفر از ساکنان روستای نگل به ماموران پلیس آگاهی اعلام شد که آنها برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. تحقیقات نشان می‌داد درگیری و نزاع به‌دلیل اختلاف خانوادگی رخ داده و یکی از آنها برادر دیگری را با شلیک سلاح شکاری به قتل رسانده و متواری شده است. پلیس در جست‌وجوی مرد برادرکش است.

#### مرگ ۳نفر درغار



سه نفر بر اثر مسمومیت گاز در غار حسن آباد جرقویه اصفهان فوت شدند. منصور شیشه‌فروش، مدیرکل ستاد مدیریت بحران استانداری اصفهان به ایمنا گفت؛ ساعت ۳ و ۲۳ دقیقه بامداد یکشنبه دهم شهریور امسال وقوع گازگرفتگی افرادی در غاری در حسن‌آباد جرقویه به ستاد فرماندهی اورژانس استان اصفهان گزارش شد و امدادگران آتش‌نشانی، هلال احمر، اورژانس و شهرداری حسن‌آباد در محل حاضر شدند. در پی این حادثه که در چاه افقی و در یکی از غارهای حسن‌آباد اتفاق افتاده، سه نفر فوت کردند و دو نفر مجروح شدند. علت وقوع این حادثه در دست بررسی است.



پلیس فارس با اشاره به اینکه متهم در حال حاضر در بازداشت به سر می‌برد خاطر نشان کرد: پلیس با اشخاصی که قصد برهم زدن نظم و امنیت و آسایش شهروندان را داشته باشند بدون رعایت هرگونه ملاحظه‌ای برخورد قاطع و قانونی می‌کند.

در یکی از محله های شیراز اقدام به سرقت یک جفت قالپاق از یک سواری کرده بود، وی شناسایی و دستگیرشد. وی با ابراز تاسف از این حادثه افزود: ماموران پس از تحقیقات فنی و تخصصی و بررسی دوربین های مداربسته آن محله موفق شدند فرد متخلف را شناسایی و دستگیر کنند. معاون اجتماعی

#### دستگیری سرباز قالپاق دزد

معاون اجتماعی پلیس فارس از دستگیری فردی که با لباس سربازی در یکی از مناطق شیراز اقدام به سرقت یک جفت قالپاق از یک سواری کرده بود، خبر داد. سرهنگ کاووس محمدی در گفت و گو با جام اظهار کرد:در پی انتشار کلیپی در فضای مجازی مبنی بر اینکه یک نفر ملیس به لباس سربازی

## کلاهبرداری خانوادگی با شرکت کاغذی

اعضای يك خانواده که به بهانه راه اندازی شرکت تولید آب معدنی و پرداخت سوده‌های کلان، بیش از دو میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بودند در دام پلیس البرز گرفتار شدند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، فرمانده انتظامی استان البرز در تشریح این پرونده گفت: در پی ارجاع يك فقره پرونده کلاهبرداری به پلیس آگاهی مبنی بر دریافت پول‌های کلان توسط اعضای يك خانواده برای راه اندازی شرکت آب معدنی و متواری شدن آنها، موضوع در

دستورکار اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در تحقیقات اولیه متوجه شدند فردی همراه اعضای خانواده خود با ثبت يك شرکت آب معدنی به صورت کاغذی بدون این‌که شرکت راه‌اندازی شود و به بهانه سرمایه‌گذاری و پرداخت سود حاصل از فروش به مالباختگان، مبالغ هنگفتی از آنها دریافت و قبل از سر رسید پرداخت سود، متواری شده و دیگر جوابگوی آنها نبوده است.

سردار عباسعلی محمدیان ادامه داد: متهمان برای این‌که اصل پول سرمایه‌گذاران را نیز پرداخت نکنند بدون این‌که شرکتی ایجاد شود،

اعلام ورشکستگی کرده و پس از آن خود را از دید شکات و ماموران پلیس مخفی کردند. کارآگاهان با انجام اقدامات پلیسی گسترده و با همکاری مالباختگان، سردسته باند



کلاهبرداران را به پلیس آگاهی دعوت کردند. متهم در تحقیقات پلیسی به جرم خود مبنی بر ده فقره کلاهبرداری به ارزش ۲۲ میلیارد ریال با همکاری دو

پسر و يك دختر خود اعتراف کرد. فرمانده انتظامی استان البرز تصریح کرد: اعضای دیگر باند با توجه به دستگیر شدن پدرشان با حساسیت بیشتری رفتار می‌کردند، اما کارآگاهان با به‌کارگیری اقدامات پلیسی

#### می‌خواستم پولدار شوم

شبتم ۲۷ ساله، مادر دو فرزند است و قصد دارد از همسرش جدا شود، و سوسه پولدار شدن اما باعث شد با پسر افغان دست به سرقت بزنند. در ادامه، گفت‌وگوی جام جم با متهم را می‌خوانید.

##### چطور با همدست آشنا شدی؟

کارهای خدماتی می‌کردم و مدتی قبل بیکار شدم. يك روز با جوان ۱۸ ساله افغان که نگهبان پارك بود آشنا شدم و او وقتی متوجه وضعیتم شد، قول داد کاری برایم پیدا کند. يك روز آگهی شاکی را به من نشان داد و گفت اگر از شاکی سرقت کنیم، وضع مالی‌مان خوب می‌شود. حرف‌های او مرا وسوسه کرد که در این سرقت با او همراه شوم.

##### آرشب سرقت بگو.

با جعل عنوان سرپرستار بیمارستان چند بار به شاکی زنگ زدم، اعتمادش را جلب کرده و ساعت ۸ شب آنجا رفتم و قرار شد فردا به من جواب بدهد. چند دقیقه بعد با همدستم که سلاح کلت و پنجه بوکس داشت وارد شدیم. دختر جوان را به مرگ تهدید کرده و با بند‌های مشکی و شال چشمان و دست و پایش را بستیم. با آب جوش چای ساز بدنش را سوزاندیم، پول، هار رایانه، کارت بانکی و رمزآن، لباس، لوازم آرایش و مقداری طلا از او سرقت کرده و او را بعد از شکنجه در حمام انداختیم.

##### بعد چه شد؟

حساب شاکی را خالی و اموال دزدی را تقسیم کردیم. می‌خواستم با عکس‌های خصوصی او صفحه‌ای در اینستاگرام فعال کرده و از او اخاذی کنم که قبل از آن دستگیر شدم.

## مرگ پدر بزرگ در آتش خشم خواستگار

دسته جمعی در سال ۹۳ بار دیگر دستگیر شده‌به زندان افتاد.

وی از زندان نامه‌ای به دادگاه نوشت و درخواست اعسار را مطرح کرد. این متهم دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری يك استان تهران به ریاست قاضی قربان زاده و با حضور يك مستشار پای میز محاکمه ایستاد. آرش در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من به نیلوفر علاقه داشتم و به خواستگاری‌اش رفته بودم تا این‌که مادر او با من تماس گرفت و گفت مادرم به او حرف‌های نامربوط زده است. همان موقع از مادرم گله کردم اما او گفت حرفی به مادر نیلوفر نزده است. می‌خواستم به خانه‌شان بروم و مادر را ببگیرم کنم که از مقابل در خانه سر و صدا شنیدم.

چون چند ساعت قبل به خاطر نیلوفر با چند پسر جوان درگیر شده بودم گمان کردم پسران جوان برای انتقام جویی مقابل در خانه مان آمده‌اند. شمشیر زتینی را که روی دیوار اتاق داشتم، برداشتم و مقابل در خانه رفتم اما ناباورانه با پدر بزرگ و دایی‌های نیلوفر روبه رو شدم. من شمشیر را زمین انداختم، اما آنها شروع به ناسزاگویی کردند. آنها می‌گفتند مادرم پشت سر نیلوفر حرف‌های نامربوط زده است. آنها به سمت من حمله کردند و من برای دفاع از خودم بطری بزینی را که در حیاط داشتمیم آتش زدم و به سمت آنها پرت کردم. ولی باور کنید هرگز فکر نمی‌کردم این ماجرا باعث مرگ پدر بزرگ نیلوفر شود.

وی ادامه داد: می‌دانم در زندگی‌ام اشتباه‌های زیادی مرتکب شده‌ام. من تا زمانی که در زندان باشم نمی‌توانم دیه بپردازم. من هیچ دارایی ندارم. به همین خاطر از قضات تقاضا دارم با تقسیط دیه موافقت کنند. اگر آزاد شوم کار می‌کنم و دیه را قسطی می‌پردازم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کنند.



پسر شرور که در جریان آتش سوزی عمدی، پدر بزرگ دختر مورد علاقه‌اش را کشت و به پرداخت دیه محکوم شده بود دیروز درخواست تقسیط دیه را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، عصر دوم اردیبهشت سال ۹۳ يك مرد سالخورده در جریان آتش سوزی عمدی که از سوی خواستگار نوه‌اش به نام آرش در محله قلعه‌مرغی تهران به پا شده بود، سوخت. خواستگار شرور خیلی زود بازداشت شد و به آتش سوزی اعتراف کرد. وی در شعبه دهم دادگاه کیفری يك استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستاد که فرزندان قربانی

برای وی حکم قصاص خواستند. در

آن جلسه، پسر بزرگ قربانی که در آتش سوزی دچار سوختگی سطحی شده بود، گفت: آرش خواستگار خواهرزاده‌ام، نیلوفر بود. من در خانه پدری‌ام خواب بودم که سروصدا شنیدم. وقتی مقابل در خانه رفتم آرش را که پسر همسایه‌مان بود در حالی که قمه در دست داشت، دیدم. همان موقع پدر و برادرم به سمت آرش رفتند و او قمه‌اش را زمین انداخت و يك بطری بزین را آتش زد و به سمت ما پرت کرد. من از ناحیه دست و برادرم از ناحیه کمر دچار سوختگی شدیم، اما شدت سوختگی پدیرمان زیاد بود. سپس پسر جوان به دفاع پرداخت و گفت: باور کنید قصد کشتن پدر بزرگ نیلوفر را نداشتم. من فقط برای این‌که آنها را بترسانم با بطری بزین مقابل خانه‌شان رفتم، ولی بزین بیکبار آتش گرفت و پدر بزرگ نیلوفر دچار سوختگی شدید شد.

در پایان جلسه قضات آرش را از قتل عمدی تبرئه و وی را به جرم قتل شبه عمد به پرداخت دیه و زندان محکوم کردند. به این ترتیب آرش با قرار وثیقه آزاد شد تا بتواند دیه را بپردازد، ولی به‌خاطر شرکت در يك نزاع

##### ادعای عجیب مرد همسرکش در جلسه دادگاه:

## پسرم مادرش را کشت تا از من انتقام بگیرد!



به دنبال بازسازی صحنه جرم، وی در شعبه چهارم دادگاه کیفری يك استان تهران از خود دفاع کرد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز برگزار شد پدر و مادر قربانی درخواست قصاص را مطرح کردند و گفتند به هیچ قیمتی از خون دخترشان گذشت نمی‌کنند. دو پسر قربانی نیز برای پدرشان قصاص خواستند.

وقتی متهم روبه‌روی قضات ایستاد ادعای عجیبی را مطرح کرد. وی گفت: من همسر را نکشتم و تحت فشار در پلیس آگاهی به قتل اعتراف کردم. پسرم قاتل مادرش است. پسرم سال‌ها بود از من می‌خواست تا خانه‌ام را به نام او سند بزنم. اما موافقت نمی‌کردم. او همچنین چندبار خواسته بود املای را که در تبریز دارم بفروشم و به او بدهم، اما چون راضی به این کار نشدم کینه مرا به دل گرفت. او مادرش را کشته تا از این طریق از من انتقام بگیرد. قصدش این بود من به زندان بروم تا راحت اموال‌م را تصاحب کند. در این میان اولیای دم به اظهارات متهم اعتراض کردند و او را دروغ‌نامیدند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

مرد میانسال که متهم است همسرش را کشته، دیروز در دادگاه ادعای عجیبی را مطرح کرد و پسرش را قاتل خواند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از صبح ششم شهریور ۹۷ به دنبال مرگ مشکوک يك زن ۴۲ ساله به نام سهیلا در خانه‌اش در یکی از خیابان‌های تهران‌پارس آغاز شد.

همسر ۵۴ ساله وی به نام رضا به ماموران گفت: صبح برای هواخوری به پارك پروین رفته بودم، اما وقتی به خانه برگشتم متوجه شدم شیر گاز آشپزخانه باز است و همسرم خفه شده است. من همسایه‌مان را که پرستار بود خبر کردم، اما او گفت کار از کار گذشته است. به نظر همسرم خودکشی کرده باشد. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. اما وقتی کارشناسان اعلام کردند وی به خاطر انسداد مجاری تنفسی جان سپرده و احتمالاً خفه شده است، رضا به عنوان متهم بازداشت شد.

این مرد که سعی داشت با دروغ‌گویی پلیس را گمراه کند به ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل همسرش اعتراف کرد. وی گفت: مدت‌ها بود با همسرم اختلاف داشتم. او همیشه به من بی‌احترامی می‌کرد. رفتارهای او تا جایی پیش رفته بود که پسر بزرگم هم برایم احترامی قائل نبود و به حرف‌هایم گوش نمی‌داد. همسرم حتی با من صحبت نمی‌کرد و پسرم از من خواسته بود خانه را برای همیشه ترک کنم. متهم ادامه داد: پول‌هایم دست همسر بود. آخرین بار از او پول خواستم، اما او شروع به داد و درآد کرد به همین خاطر با هم درگیر شدیم. پسرم به محل کارش رفته بود که برای هواخوری به پارك پروین رفته، اما آنجا بود که تصمیم به قتل همسرم گرفتم. وقتی به خانه برگشتم سهیلا خواب بود. شیر گاز خانه را باز گذاشتم و به پارك برگشتم. چند ساعت بعد وقتی به خانه رفتم متوجه شدم همسرم به خاطر استنشاق گاز بی‌هوش شده است. با دستمال آشپزخانه او را خفه کردم. سپس همسایه‌ها را خبر کردم تا همه فکر کنن همسرم دست به خودکشی زده است.